



✱ تالیف: سید بن طاووس ✱  
✱ مترجم: محمد رضا جباران ✱

سرشناسه: ابن طاووس، علی بن موسی، ۵۸۹ - ۶۶۴ ق.  
عنوان قرارداد: فلاح السائل، فارسی، عربی.  
عنوان و نام پدیدآورنده: فلاح السائل (سائل رستگار) / تألیف سید بن طاووس؛ ترجمه محمدرضا جباران.  
مشخصات نشر: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸  
مشخصات ظاهری: ۳۸۴ ص  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۳۴۵-۲  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.  
موضوع: دعاها.  
موضوع: عبادات شیعه.  
موضوع: نماز - احادیث.  
شناسه افزوده جباران، محمدرضا، ۱۳۳۷، مترجم.  
شناسه افزوده صالحی، مرتضی، ویراستار.  
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.  
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۲۱۸۰۲۱ الف ۲۶۷/۵۵۸ BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۳۵۶۶۵

عنوان: فلاح السائل

مؤلف: سید بن طاووس

مترجم: محمدرضا جباران

مدیریت هنری: گروه هنری شرکت چاپ و نشر بین الملل

توبت چاپ: پنجم، بهار ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۳۴۵-۲

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: نوین

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

شرکت چاپ و نشر بین الملل

دفتر مرکزی: تهران، میدان استقلال، سمدی جنوبی، پلاک ۲، طبقه سوم

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۲۲۹۵۹ • نمابر: ۰۲۱-۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی: میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۲۱۹۸۰ • نمابر: ۰۲۱-۸۸۹۰۳۸۴۴

www.intpub.ir • Email: intpub@intpub.ir

• همه حقوق محفوظ است.





## فهرست مطالب

۱	.....	اشاره
۲	.....	سید بن طاوس
۳	.....	ترجمه فلاح السائل
۵	.....	پیش گفتار
۱۳	.....	فصل اول: بزرگداشت و سبک شهرین نماز
۱۴	.....	فصل دوم: نمازی که انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد
۱۷	.....	فصل سوم: ارزش دعا از نظر قرآن
۱۹	.....	فصل چهارم: ارزش دعا از دیدگاه روایات
۲۲	.....	فصل پنجم: دعا و مناجات با خدای برتر از تلاوت قرآن
۲۴	.....	فصل ششم: شرایط دعاکننده از نظر عقل
۲۷	.....	فصل هفتم: شرایط دعاکننده از دیدگاه روایات
۲۹	.....	مدح و ثنا
۳۰	.....	دعای پنهانی
۳۱	.....	پاکی از حقوق دیگران
۳۱	.....	نهی از سرکشی و طغیان
۳۲	.....	نیت صادق
۳۲	.....	پاکی از ظلم
۳۳	.....	دوری از گناه
۳۳	.....	صداقت
۳۶	.....	فصل هشتم: فواید مناجات
۳۶	.....	فواید تداوم مناجات
۳۸	.....	ارزش دعا در غیاب برادران از دیدگاه روایات



## فهرست مطالب

۴۰	..... دعا برای ائمه (علیهم السلام)
۴۳	..... فصل نهم: مقدمات طهارت و شرایط شایستگی آب طهارت
۴۵	..... آداب و دعا‌های مستراح
۴۷	..... شرایط شایستگی آب طهارت
۴۹	..... فصل دهم: شرایط طهارت از نظر عقل
۵۱	..... فصل یازدهم: شرایط وضو از دیدگاه روایات
۵۳	..... احکام وضو
۵۳	..... مبطلات وضو
۵۴	..... فصل دوازدهم: شرایط طهارت با خاک
۵۵	..... احکام و طریقه تیمم
۵۶	..... فصل سیزدهم: شرایط غسل از نظر عقل و روایات
۵۷	..... غسل جنابت
۵۹	..... حیض
۶۰	..... نفاس
۶۰	..... استحاضه
۶۰	..... وظایف زن مستحاضه
۶۱	..... اقسام زنان حائض
۶۴	..... غسل‌های مستحبی
۶۵	..... غسل میت
۶۷	..... وصیت
۷۰	..... عهد
۷۲	..... عهده‌ای که در کفن میت گذاشته می‌شود
۷۴	..... آداب احتضار
۷۴	..... کفن
۷۹	..... کیفیت کفن
۸۰	..... قبر
۸۰	..... کیفیت قبر
۸۲	..... مرگ
۸۴	..... اسرار آداب احتضار





## فهرست مطالب

۸۵	آداب پس از مرگ.....
۸۵	غسل میّت.....
۸۶	کیفیت غسل.....
۸۷	کفن و کیفیت تکفین.....
۸۹	نماز میّت.....
۹۰	دستور نماز میّت.....
۹۲	تسلیمت گفتن.....
۹۳	دفن میّت.....
۹۵	تلقین میّت.....
۹۶	زیارت اهل قبور.....
۹۷	آداب پس از دفن.....
۹۸	شب اول قبر.....
۹۹	فصل چهاردهم: تیمّم بدل از غسل، آداب تهیه آب برای غسل، لباس و مکان نمازگزار، آداب ورود به مسجد و رو کردن به قبله.....
۹۹	آداب تیمّم بدل از غسل.....
۱۰۰	مکان و لباس نمازگزار.....
۱۰۱	مکان نمازگزار.....
۱۰۳	آداب ورود به مسجد.....
۱۰۷	فصل پانزدهم: نماز میانه (صلوة وسطی) اولین نمازی که بر بندگان واجب شد.....
۱۱۰	معنی وسطی (میانه).....
۱۱۱	فصل شانزدهم: آداب ظهر.....
۱۱۴	فصل هفدهم: اسرار نافله‌های ظهر.....
۱۱۴	۱. اسرار نماز.....
۱۱۴	نیت نماز.....
۱۱۵	تکبیرة الاحرام.....
۱۱۷	دعای توجه.....
۱۱۹	آداب سیاس و تمجید.....
۱۲۰	آداب گفتن «مالک یوم الدین».....
۱۲۱	آداب گفتن «ایاک نعبد و ایاک نستعین».....



## فهرست مطالب

۱۲۱	آداب گفتن «اهدنا الصراط المستقیم» و سایر دعا‌های نماز
۱۲۳	آداب تلاوت قرآن (سوره) در نماز
۱۲۴	آداب رکوع و خضوع
۱۲۶	آداب سجود
۱۲۸	محبت به خدا
۱۳۰	محبت و بغض خدا نسبت به بندگان
۱۳۳	معنی خشم و مهر خدا
۱۳۴	آداب شهادت به توحید در نماز
۱۳۵	آداب شهادت‌دادن به رسالت پیامبر در نماز
۱۳۷	آداب سلام نماز
۱۴۱	۲. نماز اوّابین همان نوافل ظهر است
۱۴۲	۳. استخاره در هنگام نوافل ظهر
۱۴۲	مقدمات نماز
۱۴۲	الف: وقت نماز
۱۴۴	ب: بزرگداشت نماز از دیدگاه روایات
۱۴۵	ج: آنچه باید در نوافل خوانده شود
۱۴۵	د: آنچه در نوافل ظهر باید خوانده شود
۱۴۶	ه: قبله
۱۴۹	استحباب تکبیرات هفتگانه در شروع نماز
۱۴۹	علت استحباب هفت تکبیر
۱۵۰	کیفیت نوافل ظهر
۱۵۵	فضیلت تسبیحات حضرت زهرا (س)
۱۵۷	دعایی دیگر در تعقیب نوافل ظهر
۱۵۷	تعمیبات مختص نوافل ظهر
۱۵۸	دعای بعد از نافله اول
۱۶۳	دعای بعد از نافله دوم
۱۶۴	دعای بعد از نافله سوم
۱۶۵	دعای بعد از نافله چهارم
۱۶۶	تعمیبات نوافل ظهر به روایت شیخ طوسی (قده)
۱۶۶	دعای بعد از نافله اول
۱۶۸	دعای بعد از نافله دوم



## فهرست مطالب

۱۶۸	دعای بعد از نافله سوم
۱۶۹	دعای بعد از نافله چهارم
۱۷۰	فصل هجدهم: اسرار و کیفیت اذان و اقامه
۱۷۶	اسرار اقامه
۱۷۷	وقت اذان و اقامه
۱۷۸	احکام اذان و اقامه
۱۸۰	صورت اقامه
۱۸۴	فصل نوزدهم: فضیلت نماز ظهر، کیفیت و اسرار آن
۱۸۴	بخشی از تعقیبات و سجده شکر
۱۹۱	کیفیت ورود به نماز ظهر
۱۹۳	تعقیب نماز
۱۹۴	تعقیبات مشترکه
۱۹۴	از جمله دعاهایی که می توان پس از هر نماز واجب خواند این است:
۱۹۶	از امور مهمی که باعث می شود دعا مستجاب شود
۱۹۷	دعایی برای حفظ جان و مال و خانه و فرزند
۱۹۸	دعایی برای سلامتی از گناهان
۱۹۹	دعا برای آمرزش گناهان
۲۰۰	دعا برای طول عمر
۲۰۲	دعا برای قوت حافظه
۲۰۲	دعا برای رفع حوائج
۲۰۳	دعایی دیگر در تعقیب نمازهای واجب
۲۰۵	دعای امام صادق(ع) در تعقیب نماز
۲۰۷	دعای حضرت صاحب الزمان (عج) بعد از نماز
۲۱۲	دعایی دیگر در تعقیب نماز
۲۱۶	آخرین دعای بعد از نماز
۲۱۷	تعقیبات مخصوص نماز ظهر
۲۱۷	دعای فرج
۲۱۹	دعای رسول اکرم(ص) پس از نماز ظهر
۲۲۰	دعای حضرت امیر(ع) بعد از نماز ظهر
۲۲۲	دعای حضرت زهرا(س) بعد از نماز ظهر
۲۲۷	دعای امام صادق(ع) در تعقیب نماز ظهر



## پیش گفتار

خدا را با قلب و زبانی سپاس می‌گویم که وجودشان از جود آن معبود یکتا و عنصرشان از کرم آن محمود بی‌همتاست. از عمق جان، بسی منت پذیرم که زبانم را به ستایش ذاتش گشود و نمایمگی بزرگداشت خود را عطایم فرمود.

عقل و روح را می‌بینم که چون حقیرت مولویت ضایع نموده و زبان و دل را رها کرده تا به غیر حمد و ثنای او بپردازند؛ بیچاره‌ای که در طلب عفو و بخشش به فرصت‌هایی که بدون یاد معبود سپری کرده‌اند گریسته، در طلب عفو و بخشش به آن کانون لطف و مرحمت توسل جسته، از مقام کرم و احسانش به زبان حال، گاهی بیان ملاطفت می‌شنوند و زمانی به سبب مفارقت چوب ملامت می‌خورند.

می‌ترسم به من بگویند ستایش و وظیفه بنده‌ای است که از قیود بی‌ادبی رسته و به آداب مراقبت آراسته باشد. اما آن که حق حرمت حضور ما را ندیده گرفته و با اشتغال به غیر، از احسان دائم ما غافل شده، بر چهره حمدش نشانی از معرفت جلال و علامتی از خضوع و بندگی و اثری از خوف ما نیست، پس وظیفه چنین بنده بیماری آن است که از ساحت مالک بخشنده و بردبار خویش طلب عفو و بخشش کند؛ و گرنه همان‌گونه که فرصتهای گذشته را از دست داده، در تطهیر قلب و زبان خویش قدمی برنداشته، به خویش مشغول و از ما غافل شده است؛ اکنون نیز فرصتهای موجود را با سستی و دروغ از دست می‌دهد و موفق به جبران گذشته



نمی‌شود. و راستی چه امیدی به نجات او هست اگر بر این حال باقی بماند. و شهادت می‌دهم که خدایی جز او نیست؛ شهادتی که از منبع جود او بر این بنده ارزانی شده و بدین وسیله او را بر بندگانی که راه به این مقام نبرده‌اند برتری داده است.

و شهادت می‌دهم که محمد ﷺ، بنده و رسول او، اشرف خاصگان دربار و معروف‌ترین کسی است که بر او خلعت اختصاص پوشانده‌اند.

و شهادت می‌دهم که خداوند عزوجل با براهین عقلی و نقلی حجّت را بر خلاق تمام نموده و از روی لطف، پیشوایانی بر ایشان نصب کرده که وجودشان بر همه مکلفان حجّت است؛ و هر چه مورد نیاز مکلفان است در نزد ایشان به ودیعت نهاده و با جود و رحمتش برای معرفی ایشان علائمی روشن و براهینی درخشان قرار داده است، همان سان که راه به معدن امامت و مکان ریاست الهی بر آنان که گفتار خدای تعالی «وَمَا خَلَقْنَا الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۱</sup> را تصدیق کرده‌اند، مشتبه نشود و نور و برهانش بر ایشان مخفی نماند.

چرا که مقصود از آفرینش بندگان آن است که با معرفت و عبادت ذات اقدس الهی به سعادت رسند و با مراقبت حضورش تشریف خدمت گیرند؛ ولی امیال و نظریات مردم بر خلاف تدبیر الهی است، چنان‌که کتاب کریمش می‌فرماید: «وَلَوْ أَتَبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ»<sup>۲</sup>.

بنابراین، واجب آمد کسی که در صفات حقّ به کمال رسیده باشد برایشان نصب کند تا مانع فساد و هلاکشان شود. و جز معصوم کسی در صفات حقّ به کمال نرسد. پس بر بندگان لازم است که در امور خویش از پیشوای معصوم پیروی کنند، زیرا

۱. جن و انس را نیافریدیم مگر برای پرستش. (سوره ذاریات، آیه ۵۶)

۲. و اگر حقّ از هوای نفس آنان پیروی کند، همانا آسمان و زمین و هر چه در آنهاست از بین خواهد رفت (کافران به رسول ما نسبت دیوانگی دادند) در حالی که ما قرآن را که اندرزی بزرگ است برایشان فرستادیم و

ایشان از آن روی گردانند. (سوره مؤمنون، آیه ۷۱)

رای و نظر غیر معصوم برای تدبیر امور دین و دنیا کافی نیست. خداوند عزوجل نظر تعدادی از پیامبران خود را تخطئه نموده و بدین وسیله بر بندگان روشن کرده که نظر غیر معصوم هیچ حجّیتی ندارد؛ مثلاً آدم علیه السلام را درباره خوردن از شجره ممنوعه و داوود علیه السلام را در یکی از قضاوت‌ها و موسی علیه السلام را درباره انتخاب هفتاد نفر از بنی اسرائیل برای میقات، تخطئه نموده است.

وقتی انبیای الهی با آنکه در مکاشفه به نهایت رسیده، مورد توجّه قرار گرفته‌اند در مواردی نیازمند راهنمایی می‌شوند؛ مردم عادی چگونه می‌توانند بدون هدایت الهی امور خویش را به نحو شایسته تدبیر کنند.

اگر به نظریات علمای مذاهب مختلف اسلامی توجّه کنی و سخن مجتهدان امین و متقی را بشنوی؛ می‌بینی بی‌آنکه عناد و خصومتی با حق داشته باشند؛ در تفسیر اکثر آیات کتاب الهی و احکام اختلاف نظر دارند. چرا که در اکثر آیات و روایات احتمالاتی وجود دارد که موجب اختلاف برداشت می‌شود. اینجاست که اگر اهل انصاف و شایسته لطف خدا باشی، در می‌یابی که انتخاب انسان‌های غیر معصوم هیچ حجّیتی ندارد و برای تدبیر دنیا و حفظ دین کافی نیست. مردم محتاج رهبری هستند که خداوند عزوجل او را تحت نظر بگیرد و صفاتش را تکمیل و باطنش را تأدیب و موضع‌گیری‌هایش را اصلاح کند و حرکات و سکناتش را کنترل و با عنایات ظاهری و باطنی امدادش نماید، همان‌گونه که تدبیرات انبیا و فرشتگان را کنترل می‌کند. چنین انسان معصومی است که قول و فعلش حجّیت داشته، شایسته پیروی است. و آنجا که به تفسیر آیات و روایات زبان گشاید نظرش صائب و بیانگر منظور خداست و در ردیف تأویلات مختلفی قرار نمی‌گیرد که دیگران آورده‌اند.

اما بعد، چون تحت توجّه الهی قرار گرفتم و موهبت او شامل حالم شد و توانستم در آینه لطف و کرم پروردگاری بنگرم که چگونه مرا آفریده، پرورش داده، در کشتی نجات بر پشت پدران حمل کرده، به رحم‌ها سپرده؛ و از بلا و عذابی که برگزشتگان نازل کرده؛ در امانم داشته و مرا به معرفت خویش هدایت کرده است؛ و دانستم که

او همان پروردگار من است که به هر چه بگویند: موجود شو! موجود می‌شود. و به توفیق او در معنی «وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ»<sup>۱</sup> دقت کردم و هدف از خلقتم را به من فهمانید و با ادله عقلی و نقلی موجبات رضای خویش را بر من آشکار نمود؛ در این حال بود که دانستم او را بر من منتی بس بزرگ است که مرا هدایت کرد تا با عبادت خالصانه برای ذات اقدسش، بدون طمع پاداش و خوف عذاب، به سعادت راه یابم و به یقین دانستم که او مالک حیات من است و همیشه از خودم در تسلط و احاطه به زندگی من سزاوارتر است؛ و او شایسته است که توجه به عظمت جلالش مرا از خود غافل کند. هیچ عاقلی روی از این در برنتابد که معرفت ذات و صفات آن حضرت و لزوم رعایت ادب در محضر او و توجه به خواست و اراده و مناجات او قبل از شناخت ثواب و عقاب است؛ چه آن ذات کامل با عظمت در نزد آن که به حق سلطنت و سیادت او معترفند، نیازی به رشوه ثواب و ترساندن از عقاب ندارد. آن مالک معظم منزّه از آن است که بندگان به قرب او علاقه مند نباشند، یا برای محبت و خدمت او رشوه بخواهند.

بر بندگان واجب است که برای اینکه مقبول او باشند و برای خدمت و عبادتش شایستگی یابند، تمام توان خویش را به کار بندند.

پس هر عقل سلیمی مشغول اجرای وظایفی است که از شناخت حق آفرینش و تربیت و هدایت برگردنش آمده است و سعی دارد که حرمت وجود و هیبت او را حفظ کند و به هدف آفرینش خود که معرفت و عبادت است، شرفیاب گردد. من در مناجات و گفتگو با آن ذات اقدس چیزهایی دیده‌ام که از توصیف و بیان آن عاجزم. مگر ندیده‌ای که اگر شاهی بخواهد به یکی از بندگان خویش احسان کند او را به حضور طلبیده، گاهی به او اذن سخن می‌دهد و گاهی هم پاسخش را می‌گوید. یکی از عرفا را که بسیار خلوت می‌گزید؛ گفتند: «آیا از تنهایی وحشت نمی‌کنی؟» گفت: «من در خلوت، همنشین پروردگارم هستم. هرگاه دوست داشته باشم او با من سخن

۱. و شما از خلقت اول خود آگاه شدید پس چرا متذکر آخرت نمی‌شوید (سوره واقعه، آیه ۶۲)

گوید، کتابش را می‌خوانم. و هرگاه بخواهم با او سخن گویم دعا می‌کنم و مکرّر با او سخن می‌گویم». و چه بسیار نعم کمیاب و مقامات بلندی که فقط در قلعه محکم خلوت با خدا به دست می‌آید و چه اسراری که در آن مقام بر انسان آشکار می‌شود. بنابراین، وقتی فواید خلوت و مناجات را دیدم و دانستم که مقصود حضرت پروردگار از خلوت بندگان آن است که عزّت و مقامشان داده سعادت دنیا و آخرت را نصیبشان کند، کتاب مصباح کبیر<sup>۱</sup> را که جدّ مادری‌ام شیخ ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی رحمته الله<sup>۲</sup> تألیف کرده است برای این هدف سودمند یافتم.

پس از آن، به مطالب مهمی دست یافتم که در آن کتاب نبود، ولی برای کسانی که هدف نهایی را مدّ نظر داشته به کمتر از آن قانع نبوده و در تجارت زیان نمی‌پسندند، به کار می‌آید و دانستم که مالک و معبودم به بندگان خوشبخت خویش می‌فرماید: ای بنده‌ام اکنون راه را برگزین که اهل یقین و تقوی و مراقبت بوده‌اند، بسته‌ام. آنان آرزو می‌کنند که به دنیا راه یابند، ولی راه بر آنها مسدود است. ولی تو آزادی، پس چرا نمی‌کوشی که بر مرکب امکان از ایشان پیشی‌گیری یا لااقل در مقامات بهشت بدانها ملحق شوی. بنابراین، تصمیم گرفتم روایاتی را که در بین مرویات خویش می‌پسندم، یا پس از این بر آنها دست می‌یابم و اسراری را که خدایم رخصت اظهار می‌دهد و آنچه بدان هدایت شده‌ام در قالب کتابی تدوین کنم و آن را

۱. مصباح‌المتجهّد کتابی است در دعا و عبادات، تألیف شیخ طوسی رحمته الله. مرحوم محقق، شیخ آقا بزرگ تهرانی، در الذریعه درباره آن می‌نویسد: «این کتاب درباره اعمال سالانه نوشته شده و مؤلف، اعمال تکراری و اعمال غیر تکراری سال را در آن ذکر کرده است و قبل از آن، چند فصل درباره اقسام عبادات و شرایط آنها منعقد نموده و در پایان، احکام زکات و امر به معروف را به آن اضافه کرده است. این کتاب از کتب مهم دعا و پیشوای آنان است و اکثر کتب دعا از آن اقتباس کرده‌اند. (ذریعه ج ۲۱ ص ۱۱۸)

۲. شیخ طوسی از علمای بزرگ شیعه امامیه در قرن چهارم و پنجم ه. ق است. او از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی رحمته الله است. در سال ۳۸۵ متولد شد و در سال ۴۰۸ وارد بغداد شد و در سال ۴۶۰ در نجف اشرف درگذشت. شیخ طوسی تا آنجا به عالم اسلام خدمت نمود که او را شیخ الطائفه نامیدند. او در تمام رشته‌های علوم اسلامی تألیفاتی دارد؛ دو کتاب عمده از کتب اربعه یعنی تهذیب و استبصار از آثار قلم پربار اوست (الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۳۵۷)



تَمَّات مصباح المتَهَجِّد و مَهَمَّات فِی صِلَاحِ الْمُتَعَبِّد بِناَمِ.

و اکنون این کتاب را در چند مجلد ترتیب می دهیم:

- مجلد اول و دوم: کتاب فلاح السائل در اعمال شبانه روز

- مجلد سوم: کتاب زهرة الزبیع در دعاهاى هفته

- مجلد چهارم: کتاب جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع

- مجلد پنجم: کتاب الدرر الواقية من الاخطار فيما يعمل مثله كل شهر على التكرار

- مجلد ششم: کتاب المضممار للسباق و اللحاق بصوم شهر اطلاق الارزاق و عناق الاعناق

- مجلد هفتم: کتاب السالك المحتاج الى معرفة مناسك الحجاج

- مجلد هشتم: کتاب الاقبال بالاعمال الحسنة در اعمالی که در سال یک بار انجام

داده می شوند.

- مجلد نهم: کتاب السماوات درباره عباداتی که در روایات وقتی برایشان معلوم

نشده، بلکه وقت آنها بر حسب حوادث و اسبابی است که اتفاق می افتد.

امیدوارم این کتابها را با کمک خداوند عزوجل چنان به پایان برم که کسی قبل از

این مانند آنها را تألیف نکرده باشد و مورد استفاده کسانی قرار گیرد که می خواهند

عباداتشان قبول شده و قبل از مرگ برای معاد آماده باشند.

نکته ای که تذکر آن را ضروری می دانم اینکه، من قبل از اینکه تصمیم به تألیف

این کتاب بگیرم، پیش نویسی برای آن آماده نکرده بودم؛ بلکه بدون مقدمه کاتب را

احضار کرده صفحه ای نوشتم و برای نسخه برداری به او دادم، و به همین صورت

صفحه به صفحه می نوشتم و به او می دادم و در همین حال مشاغل دیگری هم

داشتم که مانع پیشرفت کار می شد؛ یکی از موانع این بود که تألیف کتاب را در ماه

رجب آغاز کردم و ماه رجب و شعبان و رمضان آداب فراوانی دارد که اکثر اوقات

انسان را فرا می گیرد، و من نمی توانستم بین نوشتن جزوات فاصله بیندازم زیرا این

روش کار نسخه برداری را مختل می کرد.

به اضافه اینکه وظیفه داشتم در رفع حوائج مردم هم تلاش کنم، ولی با این همه

خداوند عزوجل ابواب قدرت را به رویم گشود، چرا که در نگارش این کتاب بر او توکل کرده بودم.

بنابراین، اگر کسی نقصی در این نوشته یافت، ما را معذور دارد که در ضیق وقت و با عجله نوشته شده، و اگر کمال و رجحانی در آن دید، فقط خدا را شکر کند که او به ما قدرت بخشید و دیده‌های اراده را برای دیدن اهداف گشود.

هنگامی که این کتاب را می‌خوانی شاید به لطف و عنایت الهی به این نکته هدایت شوی و بدانی که این نوشته از تلاش و کوشش من نیست، بلکه از تفضلات بی‌سابقه مالک مهربان و دلسوز است. پس اگر از این کتاب بهره‌مند شدی، فقط از خدا تشکر کن و در تعظیم جلال او بکوش و مباد که به یاد و تشکر از من بپردازی که در این صورت با توجه به مملوک از مالک، غافل شده خود را در خطر افکنده و در معرض هلاکت قرار داده‌ای. خداوند عزوجل می‌فرماید: «ولولا فضل الله علیکم ورحمته ما زکی منکم من احد ابداً»<sup>۱</sup> و می‌فرماید: «و ما بکم من نعمه فمن الله»<sup>۲</sup> این کلام خداوند متعال است.

بنده او، مؤلف این کتاب، هم که خدایش از عدم به وجود آورده و از ضعف و ناداری به قوت رسانده، نیز به یقین دانسته که اگر فضل و رحمت مولایش نبود او به هیچ یک از آنچه دارد نمی‌رسید و هر نعمتی دارد از فضل آن مالک معبود و از ابواب رحمت و جود اوست.

وقتی که مالک و مملوک هر دو بر این مطلب اتفاق نظر دارند، چرا تو با هر دو مخالفت می‌کنی و می‌گویی که این کتاب از فضل مملوکی است که از خاک و گل سیاه بدبو و آبی پست آفریده شده و مراحلی چون نطفه، علقه، مضغه، دوران جنینی، شیرخوارگی و نوجوانی را طی کرده و در تمام این مراحل اگر فضل مولایش

۱. و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نمی‌شد احدی از شما (از کار ناشایست) پاک نمی‌شد (سوره نور بخشی از آیه ۲۱)

۲. و هر نعمت که دارید از خداست (سوره نمل، بخشی از آیه ۵۳).

شامل او نمی شد نسبت به خود جاهل و نادان بود؛ و پس از آن هم تفضّل خود را کامل کرد، به او نعمت داد و به او آموخت چیزی را که نمی دانست.

هنگام شروع کار تصمیم داشتم فقط مطالبی را بنویسم که تتمه کتاب مصباح شمرده می شود، ولی دیدم این کار کاملی نیست. پس تصمیم گرفتم کتابی ترتیب دهم که برای عارفانی که شرف خدمت به خدا را می دانند، کافی باشد و چه بسا بین بعضی از دعاهایی که ذکر می شود از نظر لفظ یا معنی مشابهت باشد؛ و با این حال به سبب اسراری که خاصگان دربار الهی ذکر می کنند، و با اذن خدا و رسولش ممکن است در زمان خاصی یا برای شخصی اثری داشته باشد که برای شخصی دیگر یا در زمانی دیگر، آن اثر را نبخشد این دعاها را به همان صورت نقل می کنم که دریافت کرده ام، هر چند از نظر لفظ و معنی تکراری باشند.

و اکنون فصول جزء اول و دوم کتاب را ذکر می کنم تا هر کس مطلب خود را به راحتی پیدا کند، چون بیشتر اعمال شبانه روز را نماز و دعا تشکیل می دهد، سخن را با تشویق به نماز و دعا شروع می کنم تا فلانجا به آن متمایل شود.<sup>۱</sup>

۱. نظر به اینکه فهرست مطالب را در اول کتاب آوردم فهرست مؤلف را از این قسمت حذف کردم.